

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال هشتم شماره ۳۰ تابستان ۱۳۹۲

## سبک اسناد و رفتارهای پرخطر: نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله در شرایط تنش‌زا

کوثر عظیمی یانچشمه<sup>۱</sup>

زهرا تنها<sup>۲</sup>

سوده رحمانی<sup>۳</sup>

چکیده

روانشناسان به صورت گسترده برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر تلاش می‌کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر، سبک‌های اسنادی افراد است. پژوهش‌های اندکی به نقش متغیرهای واسطه‌ای در این ارتباط پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی به منظور بررسی تأثیر سبک اسنادی با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله بر رفتارهای پرخطر انجام شد. بدین منظور ۲۰۶ نفر (۱۲۰ دختر و ۸۶ پسر) از دانشجویان دانشگاه تهران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه بررسی رفتارهای پرخطر جوانان (YRBSQ)، مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا، (۱۹۸۹)، پرسش‌نامه سبک اسنادی (ASQ)، پترسون و همکاران، (۱۹۸۲) و سیاهه مقابله در شرایط تنش‌زا (CISS)، اندلر و پارکر، (۱۹۹۰) مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاکی از اثر مستقیم سبک اسناد با راهبرد مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و رفتارهای پرخطر و اثر غیر مستقیم سبک اسناد با رفتارهای پرخطر از طریق راهبرد مسئله‌مدار بود. همچنین، راهبردهای مسئله‌مدار و اجتنابی اثر مستقیم بر رفتارهای پرخطر نشان دادند. بنابراین، نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله در رابطه میان سبک اسنادی و رفتارهای پرخطر تأیید شد. در نهایت، مدل برازش مناسبی با داده‌ها داشت.

**واژگان کلیدی:** رفتارهای پرخطر، سبک اسناد، سبک‌های مقابله.

Email:kowsarazimi@yahoo.com

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی تهران

۲- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران

۳- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران

## مقدمه

نزدیک به یک قرن است که روان‌شناسان به صورت گسترده برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر<sup>۱</sup> تلاش می‌کنند. در حال حاضر نیز عوامل مختلف مؤثر بر رفتارهای پرخطر مانند عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی، عوامل فردی در پژوهش‌های متعددی مطرح شده است (گرونوبوم، لاری، کان و پیتمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ باسکین- سومرز<sup>۳</sup> و سومرز، ۲۰۰۶ و التاف<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر، سبک‌های اسنادی<sup>۵</sup> افراد است. در این زمینه پترسون<sup>۶</sup> و همکاران (۱۹۸۲) بر این باورند که هر فرد برای برخورد موفقیت آمیز با مسائل موقعیتی به ابزارهایی مانند ویژگی‌های روان‌شناختی مجهز است؛ ابزارهایی که فرد در مقابله با رویدادهای مختلف زندگی به کار می‌برد. این ابزارها نه تنها تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند خانواده، اجتماع و غیره قرار دارند، بلکه این عوامل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (بانک و دیجستا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱؛ فولکرسن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶). پژوهشگران به تأثیر این مؤلفه بر متغیرهای فردی و محیطی توجه کرده‌اند (التاف و همکاران، ۲۰۰۹؛ کینان و تال<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). سبک اسناد شامل سه بعد مکان (درونی یا بیرونی)، کلیت (کلی یا اختصاصی) و پایداری (پایدار و ناپایدار) است (پترسون و سلیگمن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۲، نقل از استیل<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴).

پژوهش‌های بسیاری (استیل و همکاران، ۲۰۰۴؛ کینان و تال، ۲۰۰۵؛ ولبورن<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ آن<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ برماس، ۱۳۸۳؛ عباسی و آذری، ۱۳۸۹) به بررسی اثر سبک اسناد افراد به ویژه نوجوانان و جوانان بر گرایش آنها به رفتارهای پرخطر پرداخته‌اند. به طور کلی، نتایج این پژوهش‌ها مؤید این مسئله بود که افراد با

1- high-risk behavior  
3- Baskin-Sommers  
5- attribution style  
7- Buunk & Dijkstra  
9- Keinan & Tal  
11- Steel  
13- An

2- Grunbaum, Lowry, Kann & Pateman  
4- Altaf  
6- Sarigiani, Ryan & Petersen  
8- Fulkerson  
10- Peterson & Seligman  
12- Welbourne

سبک‌های اسناد درونی و پایدار که به تمامی موقعیت‌های زندگی آن‌ها تعمیم می‌یافت و پیامد آن تجربه افسردگی بود، در موقعیت‌هایی که فشار و استرس به همراه داشت، به سمت رفتارهای پرخطری مانند مصرف مواد مخدر روی می‌آوردند. سؤالی که در اینجا می‌توان مطرح کرد این است که در رابطه سبک‌های اسنادی و رفتارهای پرخطر چه عواملی می‌توانند تأثیرگذار باشند و به عنوان میانجی این روابط در نظر گرفته شوند؟

پژوهشگران (بانک و دیجکستا، ۲۰۰۱ و آن و همکاران، ۲۰۱۰) بر این باورند که گرایش‌های جوانان به رفتارهای پرخطر، انعکاسی از مشکلات هیجانی و روان‌شناختی آن‌هاست که در هنگام مواجهه با شرایط استرس‌آور تجربه می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد نوع راهبردی که افراد در هنگام مواجهه با شرایط استرس‌آور به کار می‌برند، تأثیر بسزایی در گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخطر دارد. این رفتارهای مقابله‌ای نیز که بیشتر تحت تأثیر موقعیت شکل می‌گیرد تا حدودی به عوامل فردی مانند سبک اسنادی برمی‌گردد (استین و همکاران، ۱۹۹۹). در نتیجه یکی از متغیرهای احتمالی میانجی می‌تواند راهبردهای مقابله باشد، زیرا از یک سو بر رفتارهای پرخطر تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر تحت تأثیر سبک‌های اسناد افراد (کولیک و روزنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰) قرار دارند.

این راهبردها شیوه مقابله فردی با فشارهای روانی است که در مواردی زمینه‌ساز و آشکارکننده رفتارهای نابهنجار افراد است (ووتا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). از نظر لازاروس (۱۹۶۶، نقل از بورن و گارانو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳) مقابله به جای اینکه صرفاً مترادف با حل مسئله در نظر گرفته شود، بر فرد، محیط و شیوه‌های تعامل آن‌ها در موقعیت‌های تهدیدآمیز استوار است. همچنین، در این مورد بر نقش محوری شناخت بر پیامدهای هیجانی تأکید شده و ادراک از موقعیت تابع شیوه ارزیابی فرد در نظر گرفته می‌شود. راهبردهای مقابله با فشار روانی عبارتند از راهبردهای مسئله‌مدار<sup>۴</sup>، راهبردهای اجتنابی<sup>۵</sup> و راهبردهای

1- Kulick & Rosenberg

2- Votta

3- Bourne and Garano

4- problem-focused coping

5- avoidance coping

هیجان‌مدار<sup>۱</sup> (لازاروس و فالکمن<sup>۲</sup> ۱۹۸۴، نقل از بیزلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). در راهبرد مقابله مسئله‌مدار فرد بر موضوعی که تنیدگی را به وجود آورده متمرکز شده و با بررسی ابعاد آن سعی در حل آن را دارد. در حالی‌که، در راهبرد هیجان‌مدار فرد سعی در نظم‌دهی به تنیدگی هیجانی خود دارد و تلاش فردی در جهت اجتناب از چنین موقعیتی است (موهینو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهش‌های متعددی به بررسی ارتباط راهبردهای مقابله و رفتار پرخطر (لیوا، تین و ژاو<sup>۵</sup> ۲۰۰۴؛ برچتینگ و گیانکولا<sup>۶</sup> ۲۰۰۷؛ هورویتز و هیل<sup>۷</sup> ۲۰۱۰؛ هاسکینگ، لیورز و کارلویو<sup>۸</sup> ۲۰۱۱؛ پیترزاک<sup>۹</sup> و همکاران ۲۰۱۱)، سبک‌های اسنادی با رفتار پرخطر (جیو<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۰) و راهبردهای مقابله با سبک اسنادی (روسچ و وینر<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۱؛ ولبورن و همکاران، ۲۰۰۷) پرداخته‌اند. در ایران نیز شاره، اصغرنژاد فرید و یزدان‌دوست (۱۳۸۸) ارتباط راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی را با یک رفتار پرخطر (با خطر فرار از منزل در دختران نوجوان شهر مشهد) مورد بررسی قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد انجام پژوهشی برای بررسی روابط هر سه متغیر به صورت همزمان می‌تواند اطلاعات مفیدی در اختیار قرار دهد. از این رو، پژوهش حاضر با تدوین مدلی (شکل ۱) سعی دارد با در نظر گرفتن نقش میانجی‌گری راهبردهای مقابله با فشار روانی به بررسی رابطه سبک اسناد و رفتارهای پرخطر در جامعه دانشجویان بپردازد.

1- emotion- focused coping

3- Beasley

5-Liua, Tein &amp; Zhao

7- Hurwitz &amp; Hill

9- Pietrzak

11- Roesch &amp; Weiner

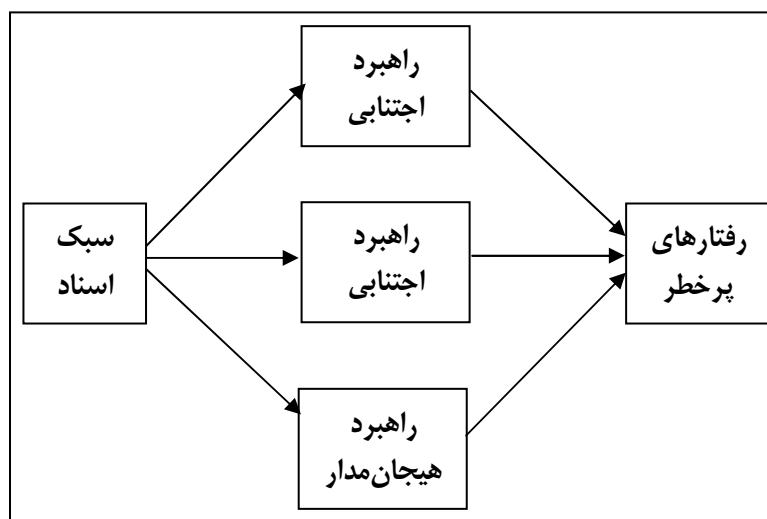
2- Lazarus &amp; Falkman

4- Mohino

6- Brechting &amp; Giancola

8- Hasking &amp; Carlopio

10- Guo



شکل (۱) مدل رابطه سبک اسناد و راهبردهای مقابله با رفتارهای پرخطر

## روش

### طرح پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که در قالب طرح همبستگی چندمتغیری (تحلیل مسیر) مورد بررسی قرار گرفته است.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد نظر شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تهران بود که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تحصیل اشتغال داشتند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که به طور تصادفی از کل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، دانشگاه تهران و سپس، دانشکده ادبیات این دانشگاه و سه رشته ادبیات فارسی، فلسفه و ادبیات انگلیسی انتخاب شد. به منظور تعیین حجم نمونه به توجه به اینکه ماهیت تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری به کوواریانس باز

می‌گردد و کوواریانس‌ها وقتی از نمونه‌های کوچک برآورد می‌شوند کمتر با ثبات هستند و از طرفی، بنا به نظر تاباچنیک و فیدل<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) مبنی بر اینکه «در بسیاری از موارد، نمونه‌ای در حدود ۲۰۰ نفر برای مدل‌های متوسط و کوچک کفایت می‌کند» (ص ۶۵۹). تعداد ۲۰۶ (۸۶ پسر و ۱۲۰ دختر) دانشجوی این دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شدند که پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### ابزارهای اندازه‌گیری

در پژوهش حاضر از سه پرسش‌نامه بررسی رفتارهای پرخطر جوانان<sup>۲</sup> (مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹)، پرسش‌نامه سبک اسنادی<sup>۴</sup> (پترسون و همکاران، ۱۹۸۲) و سیاهه مقابله در شرایط تنش‌زا<sup>۵</sup> (اندلر و پارکر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰) استفاده شده است.

**پرسشنامه بررسی رفتارهای پرخطر جوانان:** این پرسش‌نامه با اقتباس از پرسش‌نامه رفتارهای پرخطر مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا (۱۹۸۹) طراحی و تنظیم شده است و رفتارهای پرخطر را در زمینه‌های رانندگی، خشونت، استعمال دخانیات، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، تغذیه، تحرک جسمانی و دوستان ناباب از نظر فراوانی و شدت در دوره‌های ماهانه و سالانه با ۷۲ گویه ارزیابی می‌کند. فرم کوتاه شده این ابزار شامل ۲۱ گویه در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته که شدت رفتارهای پرخطر را در سه ماه اخیر در زمینه‌های عنوان شده را بررسی می‌کند. پاسخ‌دهی ۶ گویه‌ای این پرسش‌نامه به صورت بلی/ خیر (با نمره‌گذاری ۰ و ۱) و سایر سؤال‌ها در طیف لیکرت از هرگز تا خیلی زیاد (با نمره‌گذاری ۰ تا ۴) می‌باشد. طیف نمره آن از صفر تا ۵۴ می‌باشد. با توجه به این که این پرسش‌نامه، رفتارهای پرخطر را در دو بعد فراوانی و شدت ارزیابی می‌کند؛ از این رو، می‌توان نمره شدت گرایش به رفتارهای پرخطر را بر اساس جمع نمره‌ای خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه با یکدیگر به دست آورد.

1- Tabachnick &amp; Fidell

3- Center Disease Control (CDC)

5- Coping Inventory for stressful situations (CISS)

2- Youth Risk Behavior Survey Questionnaire (YRBSQ)

4- Attributional style questionnaire (ASQ)

6- Endler&amp;Parker

برنر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۲) اعتبار این پرسش‌نامه را با روش بازآزمایی به فاصله دو هفته بین ۰/۲۴ تا ۰/۹۰ به دست آوردند. بخشانی و همکاران (۱۳۸۶) با استفاده از روش بازآزمایی برای تمام زیر مجموعه‌ها اعتبار ۰/۸۵ را گزارش کردند. میزان اعتبار این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۰/۷۲ به دست آمد.

**پرسش‌نامه سبک اسنادی:** این پرسش‌نامه (پترسون و همکاران، ۱۹۸۲) شامل ۱۲ موقعیت فرضی است که شش رویداد مثبت و شش رویداد منفی را توصیف می‌کند و ابعاد درونی-بیرونی، پایدار-ناپایدار و کلی - اختصاصی را از طریق لیکرت هفت درجه‌ای می‌سنجد. در این پرسش‌نامه از آزمودنی خواسته می‌شود که علت اصلی حادثه را از نظر خود بنویسد و سپس، علت را در سه بعد اسناد درجه‌بندی کند. سه درجه‌بندی مربوط به هر علت با جهت درونی، پایدار و کلی نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات کل برای حوادث خوب و بد از طریق جمع مواد مناسب و تقسیم حاصل بر شش به دست می‌آید و اسنادهای خاص، بی‌ثبات و بیرونی نمرات کمتر (کمتر از چهار) و اسنادهای کلی، با ثبات و درونی نمرات بیشتری (بیشتر از چهار) می‌گیرند. پترسون و همکاران (۱۹۸۴) ثبات درونی این آزمون را ۰/۷۲ و میزان اعتبار آن را در بازآزمایی ۰/۷۰ گزارش کردند. شهربابکی (۱۳۶۹، نقل از برماس، ۲۰۰۴) اعتبار آن را در موقعیت منفی درونی ۰/۷۵، موقعیت پایدار ۰/۴۳، موقعیت مثبت درونی ۰/۷۴، موقعیت مثبت پایدار ۰/۵۶، موقعیت منفی کلی ۰/۷۳، موقعیت مثبت کلی ۰/۷۶ برآورد کرده است. همچنین، اعتبار این پرسش‌نامه به میزان ۰/۷۰ در پژوهش حاضر به دست آمد.

**سیاهه مقابله در شرایط تنش‌زا:** این ابزار توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) برای ارزیابی راهبردهای مقابله در مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) تدوین، طراحی و اعتباریابی شده است. این آزمون دارای ۴۸ گویه می‌باشد که هر ۱۶ گویه به یکی از ابعاد راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مداری، هیجان‌مداری و اجتناب‌مداری مربوط می‌شود. سبک غالب هر فرد با توجه به نمره وی در هر یک از ابعاد

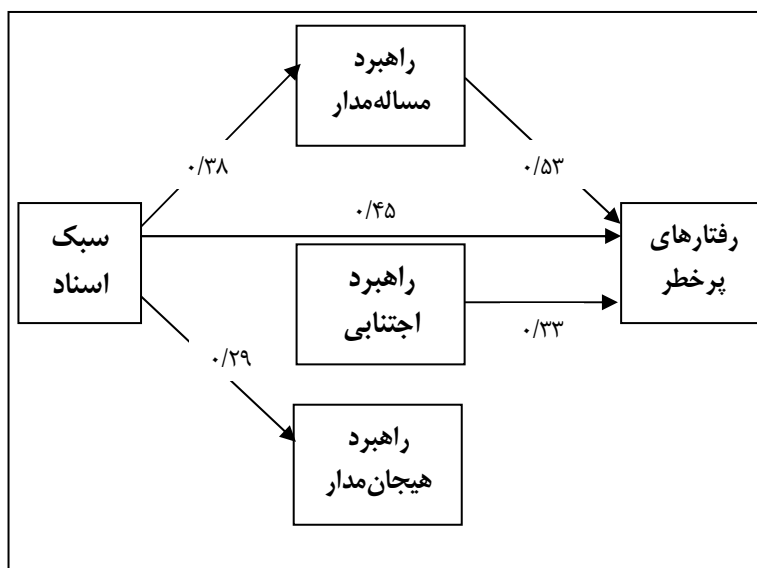
---

1- Brenner

سه‌گانه راهبردهای مقابله‌ای تعیین می‌شود. اعتبار این آزمون در مطالعه اندلر و پارکر (۱۹۹۰) در راهبرد مسئله‌مدار  $0/90$  برای دختران و برای پسران  $0/92$ ، در راهبرد هیجان‌مداری برای دختران  $0/85$  و برای پسران  $0/82$  و در راهبرد اجتناب‌مداری برای دختران  $0/82$  و برای پسران  $0/85$  به دست آمد. جعفر نژاد (۱۳۸۲) برای خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه ضریب اعتبار  $0/80$ ،  $0/83$  و  $0/72$  را به ترتیب برای راهبردهای هیجان‌مدار، مسئله‌مدار و اجتناب‌مدار به دست آورد. در پژوهش حاضر نیز به ترتیب مقادیر  $0/68$ ،  $0/75$  و  $0/76$  برای خرده‌مقیاس‌های هیجان‌مدار، مسئله‌مدار و اجتناب‌مدار به دست آمد.

### یافته‌ها

مدل برازش یافته بعد از بررسی مسیرها در رابطه با داده‌های پژوهش حاضر در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل (۲) مدل برازش یافته رابطه سبک اسناد و راهبردهای مقابله با رفتارهای پرخطر



میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱، مشاهده می‌شود.

جدول (۱) میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
رفتار پرخطر	۱۵/۷۵	۵/۰۵	-				
سبک اسناد	۱۵۱/۴۳	۲۵/۶۸	-۰/۲۲**	-			
راهبرد هیجان‌مدار	۲۰/۹۹	۴/۸۲	-۰/۱۹**	-۰/۰۲	-		
راهبرد اجتنابی	۱۹/۵۳	۴/۸۷	-۰/۳۱**	-۰/۱۶**	-۰/۱۷	-	
راهبرد مسئله‌مدار	۲۳/۲۰	۴/۹۲	-۰/۲۸**	-۰/۱۴	-۰/۰۴	-۰/۰۱	-

نتایج جدول ۱ نشان داد که بین رفتار پرخطر با سبک اسناد و هر سه راهبرد مقابله رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، رابطه بین سبک اسناد و راهبرد اجتنابی معنادار شد. بیشترین میزان همبستگی (۰/۳۱) بین رفتار پرخطر و راهبرد اجتنابی و کمترین همبستگی بین راهبرد مسئله‌مدار و اجتنابی مشاهده شد.

جدول (۲) آماره‌های مربوط به نیکویی برازش در مدل

آماره	مجدورخی	درجه آزادی	سطح معناداری	ریشه استاندارد میانگین باقی مانده‌ها	شاخص نیکویی برازش	شاخص تعدیل-کننده نیکویی برازش
ارزش	۳۸۴/۳۴	۲۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۸۹	۰/۹۳

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، نتایج آزمون مدل مفهومی، حاکی از برازش نسبتاً مناسب مدل در جامعه است. در این مدل نسبت  $\chi^2/df$  (۱/۷) کوچک‌تر از ۲ بود. همچنین، شاخص ریشه استاندارد میانگین باقی مانده‌ها (RMSEA) ۰/۰۵ به دست آمده است که شاخص نسبتاً مناسبی است. شاخص‌های نیکویی برازش (GFI) و شاخص تعدیل‌کننده نیکویی برازش (AGFI) که باید بزرگ‌تر از ۰/۹۰ می‌شدند، به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۳ به دست آمدند. با وجود این که مقدار شاخص تعیین‌کننده نیکویی

برازش (۰/۸۹) کمی کوچک‌تر از ۰/۹۰ است، اما با توجه به مناسب بودن سایر شاخص‌ها، می‌توان گفت که مدل برازش مناسبی با داده‌ها دارد.

ضرایب اثر مستقیم مدل برازش یافته که در شکل ۲ نشان داده شده است بیانگر وجود بیشترین اثر مستقیم راهبرد مدار بر رفتارهای پرخطر (۰/۵۳-) است. بر اساس این مدل اثر مستقیم بین سبک اسنادی با رفتارهای پرخطر (۰/۴۵)، راهبرد مقابله مسئله‌مدار (۰/۳۸) و هیجان‌مدار (۰/۲۹)، همچنین راهبرد اجتنابی با رفتارهای پرخطر (۰/۳۳) مشاهده شد. از دیگر یافته‌های مدل این بود که اثر مستقیم راهبرد هیجان‌مدار بر رفتارهای پرخطر معنادار نشد و از مدل حذف شد. ضرایب اثر غیرمستقیم موجود در مدل حاکی از این است که سبک اسنادی از طریق راهبرد مقابله مسئله‌مدار با رفتارهای پرخطر رابطه دارد. نتایج مجذور همبستگی چندگانه نشان داد که سبک اسناد و راهبردهای مقابله با شرایط تنش‌زا، ۱۸ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر را تبیین می‌کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

رفتارهای پرخطر یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده سلامت افراد جامعه به شمار می‌رود. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ میزان بیماری‌ها و مرگ‌ومیر ناشی از مصرف دخانیات به ده میلیون نفر در سال برسد (اسلوسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). طبق آمار و ارقام موجود در ایران بیشتر بی‌مبالاتی‌های جنسی (۵۵/۶٪) در سنین ۱۶ تا ۲۱ سالگی رخ می‌دهد و میانگین سن شروع مصرف سیگار در ایران ۱۶/۶ سال است. همچنین، بالاترین نسبت معتادان کشور (۴۵/۷٪) در فاصله سنی ۱۷ تا ۲۲ سال مصرف مواد را آغاز کرده‌اند (بختیاری‌نژاد، ۱۳۸۹). از این‌رو، با توجه به جمعیت رو به رشد نوجوان و جوان در سال‌های اخیر و لزوم توجه به بروز چنین مشکلاتی، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نقش میانجی راهبردهای مقابله به بررسی اثر سبک اسناد افراد بر گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخطر پرداخت. بدین منظور با در نظر گرفتن نمونه‌ای دانشگاهی روابط فوق در قالب

1- Slusky

مدلی طراحی و مورد بررسی قرار گرفت. تایید نشان داد که سبک اسناد بر راهبردهای مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و رفتارهای پرخطر اثر مستقیم دارد. این اثر مستقیم در مورد راهبردهای مسئله‌مدار و اجتنابی بر رفتارهای پرخطر نیز مشاهده شد. همچنین، رابطه غیر مستقیم در اثر سبک اسنادی بر رفتار پرخطر از طریق راهبرد مسئله‌مدار به دست آمد. نتایج ذکر شده از مدل برازش یافته، تبیین‌هایی را به دنبال دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

نتایج نشان داد که سبک اسنادی بر راهبرد مقابله مسئله‌مدار اثر مستقیم دارد. به طور کلی، نوع تفکر و شناخت افراد به بروز مشکلاتی چون اضطراب، افسردگی، شرم و غیره منجر می‌شود و نمی‌توان صرفاً وقوع رویدادها را عامل چنین مشکلاتی دانست (کینان و تال، ۲۰۰۵) زیرا برداشت افراد و اسناد آن‌ها در رویدادهای همسان متفاوت است. افرادی که از نظر آن‌ها موقعیت‌ها قابل تغییرند و بر این باورند که می‌توانند بر موقعیت‌های فشارزایی که از طرف محیط بر آن‌ها تحمیل می‌شود فائق آیند، با کمک طلبی از دیگران و استفاده از راهبرد حل مسئله مشکلاتشان را مرتفع کرده و از میزان تنش خود می‌کاهند. تحقیقات نشان می‌دهند که در افراد با سطوح بالاتر خوش بینی و امیدواری، سبک‌های مقابله‌ای حل مسئله به‌طور فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد (ووتا و همکاران، ۲۰۰۴). افراد با سبک اسناد درونی بیشتر تمایل دارند تا با رویدادهای تنش‌زای زندگی با روش حل مسئله مقابله کنند، به‌خصوص زمانی که بر رویداد تنش‌زا کنترل دارند (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰). افراد با سبک درونی رویدادهای استرس‌زا را به عنوان مشکلات حل شدنی تلقی می‌کنند نه تهدیدات ناراحت کننده. ارزیابی ثانویه افراد با سبک درونی نیز امید بخش است، زیرا آن‌ها می‌دانند که مهارت‌های مقابله‌ای مفیدی در اختیار دارند. این افراد انرژی‌شان را صرف به دست آوردن اطلاعاتی می‌کنند که برای حل مشکلات زندگی ضروری است و نسبت به سلامت جسمی و روانی‌شان مسئولیت‌پذیرند.

نتیجه دیگر این پژوهش، حاکی از اثر سبک اسنادی بر راهبرد هیجان‌مدار بود. به طور کلی، موقعیت‌های فشارزا با خود نوعی تنیدگی و هیجانات منفی را به همراه دارند.

در این صورت دشواری فائق آمدن بر این هیجانات منفی با خود احساس گناه و افسردگی به همراه داشته که نتیجه آن غیرقابل تغییر دانستن موقعیت و در نهایت، تعمیم چنین احساسی به موقعیت‌های دیگر است. ارتباط سبک اسناد و راهبرد هیجان‌مدار بدین‌گونه است که افراد با سبک بیرونی به احتمال بیشتری به رویدادهای تنش‌زای زندگی، از طریق تخیل و تفکر آرزومندانه واکنش نشان می‌دهند. این افراد غالباً ضعیف مقابله می‌کنند، زیرا هنگام ارزیابی اولیه از رویدادهای زندگی، امید کمتری دارند که بتوانند کاری انجام دهند (هورویتز و هیل ۲۰۱۰؛ هاسکینگ، لیورز و کارلوپیو، ۲۰۱۱؛ پیترزاک و همکاران، ۲۰۱۱). علاوه بر این، ارزیابی ثانویه افراد بیرونی نیز تنش‌زا است. زیرا آن‌ها قادر به یافتن راه‌حل‌ها و امکانات مختلف برای مقابله با مشکلات نیستند و در نتیجه بیشتر از راهبردهای هیجان‌مدار و اجتنابی بهره می‌گیرند.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که سبک اسنادی اثر مستقیمی بر رفتارهای پرخطر دارد به این صورت که افراد با سبک اسنادی بیرونی و ناپایدار گرایش بیشتری به رفتارهای پرخطر نشان دادند. با توجه به اینکه شیوه‌هایی که مردم علت‌ها را تبیین می‌کنند می‌توانند بر دیدگاه‌هایشان در مورد نقش آن‌ها در جهان و بر توان آن‌ها در نفوذ بر محیط و تلاششان برای انجام این کار تأثیر بگذارد، سبک تبیینی منفی به‌طور روشن با دامنه وسیعی از پیامدهای هیجانی و اجتماعی منفی مرتبط است (هورویتز و هیل، ۲۰۱۰). مطالعه برماس (۱۳۸۲) نشان داد که از نظر میزان ارتکاب جرایم افراد دارای منبع کنترل بیرونی نسبت به افراد دارای منبع کنترل درونی، درصد بیشتری را نشان می‌دهند، زیرا این افراد دارای اضطراب بیشتری و عزت‌نفس کمتری هستند و برای کاهش میزان اضطراب ممکن است به یک منبع بیرونی با هدف تسکین روی آورند. در حالی که، محققان دیگر (آسپینوال و تیلر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). بازشناسی توانایی‌های درونی خود و تکیه بر اسنادهای درونی را از مهم‌ترین عوامل موفقیت در غلبه بر چالش‌ها و پیش‌گیری از روی آوردن فرد به رفتارهای پرخطر گزارش کرده‌اند. هنگامی که عامل رفتار به عوامل

---

1- Aspinwall & Taylor

خارج از کنترل نسبت داده می‌شود حس مسؤلیت پذیری در برابر آن رفتار کاهش می‌یابد (لیوا، تین و ژاو، ۲۰۰۴). در بیشتر موارد نبود پشیمانی و گرایش شدید به بیرونی کردن خطا و کوتاهی، روی آوردن دوباره به رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی می‌کند (ترزیان و اندرورز و مور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

رابطه مستقیم و منفی راهبرد مسئله‌مدار و رفتارهای پرخطر نتیجه دیگر این پژوهش است. با وجود در نظر گرفتن جوانب مختلف بروز حوادث و سعی در حل آن به جای برخورد نابخردانه با آن، انتظار می‌رود که افراد گرایش کمتری به رفتارهای آسیب‌زا داشته باشند. رابطه منفی به‌دست آمده نیز موید همین نکته است. ترزیان و همکاران (۲۰۱۱) و بارن<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۵) نیز نشان دادند افرادی با گرایش کمتر به رفتارهای پرخطر از راهبردهای حل مسئله بیشتر استفاده می‌کنند. راهبرد حل مسئله نوعی مقابله انطباقی است که بازسازی شناختی و حل مسئله را در بر می‌گیرد و تحقیقات نشان می‌دهد که با سازگاری بهتر هیجانی و سلامت جسمانی مرتبط است (کونور - اسمیت و همکاران، ۲۰۰۰، بن - زور و رشف-کفیر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴) و به عنوان یک عامل حمایتی در برابر درگیر شدن در رفتارهای پرخطر (لانگ روک<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲) و رشد آسیب شناسی روانی مانند افسردگی و اضطراب (چاپلین و کل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵) عمل می‌کند.

نتایج نشان داد که راهبرد اجتنابی اثر مستقیمی بر رفتارهای پرخطر دارد. این یافته با پژوهش‌های بریتیشینگ و جیانکولا<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) و افتخاری (۲۰۰۴) همخوان است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت وقایع منفی زندگی به خودی خود بر رفتارهای پرخطر تأثیر نمی‌گذارند بلکه استفاده از راهبردهای مقابله‌ای است که بر رفتارهای پرخطر تأثیر می‌گذارد. فردی که فاقد مهارت‌های مقابله کارآمد است، به احتمال بیشتری برای تعدیل هیجان خود به سمت رفتارهای پرخطر گرایش پیدا کند. بنابراین، مقابله معیوب به‌طور گسترده رفتارهای پرخطر بیشتری را پیش‌بینی می‌کند (کولیک و روزنبرگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰).

1- Terzian, Andrews & Moore  
3- Ben-Zur & Reshef-Kfir  
5- Chaplin & Cole  
7- Kulick & Rosenberg

2- Baroun  
4- Langrock  
6- Brechting & Giancola

راهبردهای مقابله بر روی اینکه چگونه افراد در زندگی با عوامل استرس‌زا سروکار داشته باشند تأثیر می‌گذارد. در واقع، راهبردهای اجتنابی یک مکانیسم شناختی را آشکار می‌سازد که فرد را قادر می‌سازد تا مؤلفه‌های تهدید را در رفتارهای پرخطر نادیده بگیرند. در مقابله اجتنابی فرد به فکر و اندیشه گریز و اجتناب از مشکل است، به عبارت دیگر افرادی که در موقعیت‌های استرس‌زا قرار دارند و اغلب از این سبک استفاده می‌کنند، در مواجهه با چنین موقعیت‌های ترجیح می‌دهند به رویاهای خود پناه برده و آنچه را که به دنبال آن هستند در دنیای خیال خویش به دست آورند (تقی‌لو، ۱۳۸۳). همچنین، وجود مهارت‌های مقابله‌ای اجتنابی احتمال بالایی از سوء مصرف مواد و مشکلات روانی اجتماعی را بر اساس DSM-IV پیش‌بینی می‌کنند (کولیک و روزنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). سافر و هاردینگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) نشان دادند مکانیسم مقابله اجتنابی، سازگاری جوانان را کاهش می‌دهد. مقابله اجتنابی در واقع با پیش‌بینی اطمینان افزایش یافته و تنش کاهش یافته مرتبط است. افرادی که از راهبردهای مقابله‌ای مفید کمتری استفاده می‌کنند، ممکن است انتظار داشته باشند که مصرف الکل برای آن‌ها اطمینان به دست می‌آورد و اضطراب و استرس آن‌ها را کاهش می‌دهد. سپس، این انتظارات به نوشیدن برای مقابله با استرس و افزایش خلق مثبت منتهی می‌شود. الکل یا مواد مخدر به این دلیل استفاده می‌شود تا افراد از هیجانات منفی خود فرار کنند و یا هیجانات منفی خود را هدایت کنند (لیندزی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). رابطه غیرمستقیم سبک اسنادی از طریق راهبرد مسئله‌مدار بر رفتار پرخطر گویای این مسئله است که هر چه افراد با توجه به سبک اسناد مناسب از راهبردهای مقابله مسئله‌مدار بیشتری بهره‌گیرند، کمتر به رفتارهای پرخطر گرایش پیدا می‌کنند. این پژوهش نشان داد که راهبرد مقابله مسئله‌مدار میانجی مناسبی در رابطه بین سبک اسناد و رفتارهای پرخطر است.

بنابر نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد با شناخت بهتر عوامل زمینه ساز رفتارهای پرخطر می‌توان برنامه‌هایی را در جهت پیش‌گیری و کنترل آن در نظر گرفت.

1- Kulick & Rosenberg  
3- Lindsey

2- Safer & Harding

راهبردهای مقابله از یک سو تحت تأثیر سبک اسناد قرار دارد و از سوی دیگر رفتارهای پرخطر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر به دنبال کنترل رفتارهای پرخطر هستیم، باید در نظر داشته باشیم که نمی‌توانیم آن را تنها تحت تأثیر عوامل فردی فرض کنیم. بلکه در واقع، رفتارهای پرخطر تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی قرار دارد. بنابراین، برنامه‌ای جامعیت دارد که کل فرایند را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که در مدل‌های جامع‌تر و با در نظر گرفتن عوامل فردی و محیطی دیگری که در بروز رفتارهای پرخطر دخیل هستند، عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گیرند.

اگر چه در پژوهش حاضر از مدل‌سازی تحلیل مسیر استفاده شد، اما این روش علیت در مدل را نشان نمی‌دهد و برای شناسایی متغیرهای در نظر گرفته نشده نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این کمبود می‌تواند با در نظر گرفتن عوامل فردی و بافتی دیگری که پیچیدگی رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد، جبران شود. همچنین، استفاده از روش‌های خود گزارش‌دهی نظیر پرسش‌نامه‌ها به عنوان روش‌های متداول در اندازه‌گیری متغیرهای شخصی، اطلاعات کاملاً منطبق با واقعیت ارائه نمی‌دهد. بنابراین، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های ترکیبی استفاده شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود مدل پیشنهادی در جوامع دیگر اجرا و نتایج آن با نتایج این پژوهش مقایسه شود و در نهایت با توجه به این که در پژوهش حاضر از نمونه دانشجویان استفاده شده است که نمونه تقریباً همگونی است، لازم است در پژوهش‌های آتی از نمونه‌هایی با تنوع بیشتر استفاده شود تا نتایج به گروه‌های بیشتری تعمیم یابد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۲/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴

## References

## منابع

- بختیاری‌نژاد، احمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های مقابله با استرس و منبع کنترل سلامت با عود اعتیاد در افراد معتاد به مواد مخدر تحت درمان نگهدارنده متادون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- جعفرنژاد، پروین (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین پنج عامل بزرگ، سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روان‌شناختی در دانشجویان کارشناسی تربیت معلم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- عباسی، مسلم و آذری، مهناز (۱۳۸۹). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در دانشجویان از طریق ویژگی‌های شخصیتی، اولین همایش دانشجویی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت.
- شاره، حسین، اصغرنژاد فرید، علی‌اصغر و یزدان‌دوست، رخساره (۱۳۸۸). ارتباط راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی با خطر فرار از منزل در دختران نوجوان شهر مشهد، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۳، ۲۴۲-۲۴۷.
- تقی‌لو، صادق (۱۳۸۳). مقایسه عزت‌نفس، سبک‌های مقابله با فشار روانی و خشم در بزهکاران و نوجوانان عادی استان تهران در سال ۸۳-۱۳۸۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- برماس، حامد (۱۳۸۳). مقایسه میزان عزت‌نفس و سبک‌های اسنادی در دو گروه از نوجوانان غیرمعتاد و معتاد، اعتیادپژوهی، ۲، ۶۷-۸۴.
- Altaf, A., Janjua, N.Z., Kristensen, S., Zaidi, N.A., Memon, A., Hook, E.W., Vermund, S.H. & Shah, S.A. (2009). High-risk Behaviors among Juvenile Prison Inmates in Pakistan, *Public Health*, 123, 470-475.
- An, K.S., Kang, J.I., Park, J.Y., Kim, K.R., Lee, S.Y. & Lee, E. (2010). Attribution Bias in Ultra-high risk for Psychosis and First-episode Schizophrenia, *Schizophrenia Research*, 118, 54-61.
- Aspinwall, L.G., & Taylor, S.E. (1992). Modeling Cognitive Adaptation: A Longitudinal of the Impact of Individual Differences and Coping on College Adjustment and Performance, *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 755-765.
- Barone, C., Weissberg, R.P., Kaspro, W.J., Voyce, C.K., Arthur, M.W., Shriver, T.P. (1995). Involvement in Multiple Problem Behaviors of



- Young Urban Adolescents, *The Journal of Primary Prevention*, 15(3), 261-283.
- Baskin-Sommers, A. & Sommers, I. (2006). The Co-occurrence of Substance Use and High-risk Behaviors, *Journal of Adolescent Health*, 38, 609-611.
- Beasley, M., Thompson, T., & Davidson, J. (2003). Resilience in Response to Life Stress: The Effects of Coping Style and cognitive Hardiness, Personality & Individual Differences, *Psychology & Sport Exercise*, 34, 77-95.
- Ben-Zur, H., & Reshef-Kfir, Y. (2003). Risk Taking and Coping Strategies among Israeli Adolescents, *Journal of Adolescence*, 26, 255-265.
- Brechting, E.H., & Giancola, P.R. (2007). A Longitudinal Study of Coping Strategies and Substance Use in Adolescent Boys, *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, 16(2), 51-67.
- Brener, N.D., Kann, L., McManus, T., Kinchen, S.A., Sundberg, E.C., & Ross, J.G. (2002). Reliability of the 1999 Youth Risk Behavior Survey Questionnaire, *Journal of Adolescent Health*, 31(4), 336-342.
- Buunk, B.P. & Dijkstra, P. (2001). Rationalizations and Defensive Attributions for High-risk Sex among Heterosexuals, *Patient Education & Counseling*, 45, 127-132.
- Chaplin, T.M., & Cole, P.M. (2005). *The Role of Emotion Regulation in the Development of Psychopathology*, In B.L. Hankin, & J. R.Z. Abela (Eds), *Development of Psychopathology: A Vulnerability-stress Perspective* (pp. 49-74). Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.
- Chen, J.Q., Dunne, M.P., & Han, P. (2006). Child Sexual Abuse in Henanprovienc, China: Associations with Sadness, Suicidality, and Risk Behaviors among Adolescent Girls, *The Journal of Adolescent Health*, 38, 544- 549.
- Connor - Smith, J.K., Compas, B.E., Wadsworth, M.E., Thomsen, A.H., & Saltzman, H. (2000). Responses to Stress in Adolescence: Measurement of Coping and Involuntary Stress Responses, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 68, 972-976.
- Endler, N.S., & Parker, J.D.A. (1990). *Coping Inventory for Stressful Situations (CISS): Manual*, Toronto: Multi-Health Systems.
-

- 
- Fulkerson, J.A., Story, M., Mellin, A., Leffert, N., Neumark-Sztainer, D. & French, S. A. (2006). Family Dinner Meal Frequency and Adolescent Development: Relationships with Developmental Assets and High-risk Behaviors. *Journal of Adolescent Health, 39*, 337-345.
- Grunbaum, J.A., Lowry, R., Kann, L. & Pateman, B. (2000). Prevalence of Health Risk Behaviors among Asian American/Pacific Islander High School Students, *Journal of Adolescent Health, 27*, 322-330.
- Guo, Q., Unger, J.B., Azen, S.P., Li, CH., Palmer, P.H., Lee, L., & Johnson, A. (2010). Cognitive Attributions for Smoking among Adolescents in China, *Addictive Behaviors, 35*, 95-101.
- Hasking, P., Lyvers, M., & Carpio, C. (2011). The Relationship between Coping Strategies, Alcohol Expectancies, Drinking Motives and Drinking Behavior, *Addictive Behavior, 36*, 479-487.
- Hurwitz, A.G., & Hill, R.M. (2010). Specific Coping Behaviors in Relation to Adolescent Depression and Suicidal Ideation, *Journal of Adolescence XXX, 19*, 1-9.
- Keinan, G. & Tal, S. (2005). The Effects of Type a Behavior and Stress on Attribution of Causality, *Personality & Individual Differences, 38*, 403-412.
- Kulick, D., & Rosenberg, H. (2000). Assessment of University Student's Coping Strategies and Reasons for Driving in High-risk Drinking-driving Situations, *Accident Analysis and Prevention, 32*, 85-94.
- Langrock, A.M., Compas, B.E., Keller, G., Merchant, M.J., & Copeland, M.E. (2002). Coping with the Stress of Parental Depression: Parents' Reports of Children's Coping, Emotional and Behavioral Problems, *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 31*, 312-324.
- Lindsey, E.W., Kurtz, P.D., Jarvis, S., Williams, N.R., & Nackerud, L. (2000). How Run Away and Homeless Youth Navigate Troubled Waters: Personal Strengths and Resources, *Child and Adolescent Social Work Journal, 17*, 115-139.
- Liu, X., Tein, J.Y., & Zhao, Z. (2004). Coping Strategies and Behavioral Emotional Problems among Chinese Adolescents, *Psychiatry Research, 126*, 275-285.
-

- Mohino, S., Kirchner, T., & Forns, M. (2003). Coping Strategies in Young Male Prisoners, *Journal of Youth and Adolescence*, 33(1), 41-49.
- Peterson, C., Semmel, A., von Baeyer, C., Abramson, L.Y., Metalsky, G.I., & Seligman, M.E. (1982). The Attributional Style Questionnaire, *Cognitive Therapy and Research*, 6(3), 287-299.
- Pietrzak, R.H., Russo, A.R., Ling, Q., & Southwick, S.M. (2011). Suicidal Ideation in Treatment-seeking Veterans of Operations Enduring Freedom and Iraqi Freedom: The Role of Coping Strategies, Resilience, and Social Support, *Journal of Psychiatric Research*, 45, 720- 726.
- Roesch, S.C., & Weiner, B. (2001). A Meta-analytic Review of Coping with Illness Do Causal Attributions Matter? *Journal of Psychosomatic Research*, 50, 205-219.
- Rotenberg, K.J., Flood, D. (2000). Dietary Restraint, Attributional styles for Eating, and Preloading Effects, *Eating Behaviors*, 1, 63-78.
- Safer, L.A., & Harding, C.G. (1993). Under Pressure Program: Using Live Theater to Investigate Adolescents Attitudes and Behavior Related to Drug and alcohol-abuse Education and Prevention, *Adolescence*, 28(109), 135-148.
- Slusky, R.I. (2004). Decreasing High-risk Behavior in Teens: A theater Program Empowers Students to Reach Out to Their Peers, *Healthcare Executive*, 19(1), 48-49.
- Steel, J., Sanna, L., Hammond, B., Whipple, J., Cross, H. (2004). Psychological Sequelae of Childhood Sexual Abuse: Abuse-related Characteristics, Coping Strategies, and Attributional Style, *Child Abuse & Neglect*, 28, 785-801.
- Stein, J.A., & Nyamathi, A. (1999). Gender Differences in Relationships among Stress, Coping, and Health Risk Behaviors in Impoverished, Minority Populations, *Personality and Individual difference*, 26, 141-157.
- Tabachnick, G.B. & Fidell, S. L. (2006). *Using Multivariate Statistics*, Allyn and Bacon.
- Terzian, M.A., Andrews, M., Moore, A.K. (2011). Preventing Multiple Risky Behaviors among Adolescents: Seven Strategies, *Brief Research-to-Results*.

Votta, E., Manion, I. & Psych, C. (2004). Suicide, High-risk Behaviors, and Coping Style in Homeless Adolescent Males, s Adjustment, *Journal of Adolescent Health*, 34, 237-243.

Welbourne, J.L., Eggerth, D., Hartly, T.A., Andrew, M.E. & Sanchez, F. (2007). Coping Strategies in the Workplace: Relationships with Attributional Style and Job Satisfaction, *Journal of Vocational Behavior*, 70, 312-325.